

تیم پرهزینه استقلال و بحران بی‌پایان در حسرت برد



استقلال در ادامه ناکامی‌های خود، باز هم از دستیابی به پیروزی بازماند. تساوی برابر شمس‌آذر قزوین چهارمین دیداری بود که شاگردان ریکاردو ساینیتو در لیگ برتر ایران نتوانستند به برتری برسند. با وجود پیش افتادن در جریان مسابقه، ضعف همیشگی در سازمان دفاعی دوباره گریبان تیم را گرفت و امتیاز کامل از دست رفت.

تیمی که با امیدواری و تغییرات گسترده وارد فصل جدید شده بود، حالا پس از ۵ هفته تنها ۶ امتیاز اندوخته و از صدر جدول فاصله دارد. شکست سنگین در لیگ آسیا برابر الوصل و ناکامی‌های پی‌درپی در لیگ داخلی، نشان داده استقلال هنوز راه بازگشت به دوران اوج را پیدا نکرده است. برد هفته نخست مقابل تراکتور تنها روز خوش آبی‌ها بود و از آن پس، سیر نزولی و برانقضاد ادامه دارد.

عملکرد نوسانی استقلال باعث شده مدیران باشگاه نسبت به شرایط موجود واکنش نشان دهند. پیش از بازی اخیر، ساینیتو به جلسه‌ای دعوت شد تا توضیحاتی درباره اوضاع تیم ارائه کند؛ هرچند در ظاهر از او حمایت شد اما این جلسه به‌خوبی نشان داد جایگاه مرد پرتغالی چندان هم مستحکم نیست. حالا پس از تساوی تازه، این پرسش جدی‌تر از گذشته مطرح است: آیا همکاری همچنان ادامه خواهد یافت یا اختار جدی‌تری در انتظار سرمربی خواهد بود.

استقلال امسال گران‌ترین تیم لیگ لقب گرفته است. برای جذب بازیکنان خارجی و داخلی مبالغ هنگفتی هزینه شد تا تیمی در حد و اندازه آسیا ساخته شود اما جز یکی دو بازیکن مانند یاسر آسانی که کیفیت خود را نشان داده، سایر خریدها یا به نیمکت دوخته شده‌اند یا در لیست مازاد قرار گرفته‌اند یا محضوری کم‌اثر داشته‌اند. میلیون‌ها دلار خرج بازیکنانی شده که در عمل نه‌تنها بازی از دوش تیم برداشته‌اند، بلکه پرسش‌های جدی درباره سیاست نقل‌وانتقالات باشگاه ایجاد کرده‌اند.

تساوی با شمس‌آذر یک بار دیگر ضعف تاکتیکی و ذهنی تیم را آشکار ساخت. استقلال گل اول را در اما همان‌طور که بارها در بازی‌های قبل دیده شده، توانایی حفظ نتیجه را ندارد. هر بار اشتباهات فردی و ناهماهنگی در خط دفاع، ۳ امتیازها را بر باد می‌دهد. این بی‌ثباتی روانی و فنی باعث شده تیمی که باید مدعی قهرمانی باشد، حالا در بحرانی جدی قرار گیرد.

انتقادات از تیمی با چنین هزینه‌های سنگین، بسیار بالا بود اما آنچه هواداران می‌بینند، تیمی بی‌انگیزه، بی‌روحیه و بی‌برنامه است. سکوها هر هفته صدای اعتراض بیشتری به گوش می‌رسانند و اگر روند موجود تغییر نکند، فشار روانی بر بازیکنان و مربیان بیشتر خواهد شد. آینده استقلال در فصل جاری وابسته به این است که آیا ساینیتو و مجموعه‌اش می‌توانند در کوتاه‌مدت تحولی جدی ایجاد کنند یا خیر.

استقلال امروز ترکیبی است از هزینه‌های گزاف، بازیکنان گران‌قیمت بی‌ای‌تر و سرمربی‌ای که درگیر فشار روانی و انتقادات سنگین است. این تیم در حالی که باید مدعی جدی قهرمانی باشد، در بحران دست‌وپا می‌زند. اگر تغییرات اساسی رخ ندهد، این فصل هم چون فصل سیاه قبل ممکن است یکی از ناامیدکننده‌ترین‌ها باشد.

خبر

درگیری و جنجال در آغاز لیگ تکهاندوی بانوان واکاوی اصل داستان

نخستین هفته لیگ برتر تکهاندوی بانوان با اتفاقاتی پرحاشیه همراه شد؛ ماجرای که نه‌تنها باعث برهم خوردن نظم مسابقات شد، بلکه حتی به درگیری فیزیکی و فحاشی نیز کشیده شد. ماجرا از مسابقه ساینا کربویی و سوگند شیری آغاز شد. این ۲ ورزشکار سابقه رقابت‌های حساس ملی با یکدیگر را داشتند و بارها فینال انتخابی تیمی‌ل را به صحنه‌ای پرتنش تبدیل کرده بودند. در دیدار اخیر، تنش کلامی میان آنها پس از پایان مسابقه شدت گرفت و طبق گزارش ناظر، کمیته قضایی رأی به محرومیت از بازی بعد داد. همین موضوع موجب اعتراض تند سوگند و سوگل شیری شد.

به گفته طلعت مرادی، نایب‌رئیس بانوان فدراسیون تکهاندو، این ۲ خواهر همراه با مادر و دوستان‌شان به جنجال ادامه دادند، الفاظ توهین‌آمیز به کار بردند و حتی به مهروز ساعی حمله لفظی کردند. شدت درگیری به حدی بود که پخش زنده مسابقات قطع شد. او افزود، رفتارهای این ۲ نفر بارها باعث ایجاد حاشیه در رقابت‌ها شده و بسیاری از مربیان حاضر به همکاری با آنها نیستند. ماجرا تنها به سالن ختم نشد؛ در محوطه فدراسیون هم ادامه یافت و حتی به شکستن بینی یکی از ورزشکاران انجامید. مرادی اعلام کرد چند نفر از بانوان طول درمان گرفته‌اند و همین موضوع، احتمال محرومیت سنگین را بیشتر می‌کند. به گفته مسؤولان، ۲ شکایت حقوقی و حقیقی علیه خواهران شیری مطرح شده است.

کمیته انضباطی بزودی تشکیل جلسه خواهد داد و با توجه به ایجاد ماجرا، احتمال محرومیت ۳ تا ۵ ساله برای این ۲ تکهاندوکار مطرح است. مرادی تأکید کرد: برخورد جدی با این اتفاق ضروری است تا چنین رفتارهایی هرگز تکرار نشود.



استقلال در مسابقه‌ای که می‌توانست نقطه بازگشت به مسیر موفقیت باشد، بار دیگر طعم تلخ از دست دادن امتیاز را تجربه کرد. دیدار برابر شمس‌آذر قزوین، با وجود فرصت‌های مناسب برای کسب پیروزی، تنها یک مساوی به همراه داشت؛ مساوی‌ای که بیش از هر چیز، ضعف ساختاری خط دفاع تیم را عیان کرد.

دفاعی که همچنان اشتباه می‌کند

۵ هفته از لیگ برتر گذشته و استقلال تنها یک بار توانسته دروازه‌اش را بسته نگه دارد. از ۶ گل خورده در همین بازی‌های ابتدایی لیگ گرفته تا آنچه در سوپر جام و آسیا تجربه شد، همه نشان می‌دهد خط دفاع این تیم به‌شدت شکننده است. مجموعاً استقلال در ۷ میدان رسمی اخیر، ۱۶ بار دروازه‌اش را باز شده دیده و این آمار برای تیمی که دامیعه قهرمانی دارد، یک زنگ خطر جدی است.

تغییرات بی‌ثمر

ریکاردو ساینیتو در تلاش است با جابه‌جایی نفرات، راهی برای ترمیم مشکلات پیدا کند اما آنچه در عمل رخ داده، تنها

قصه تکراری است، سناریو تکراری است و استقلال خیال برخاستن ورسین به موفقیت ندارد. آبی‌ها نه در قامت یک قهرمان هستند و نه در حد تیم مدعی! هنوز نمی‌دانند در میدان نبرد هستند و هر امتیاز از دست رفته می‌تواند آنها را از مسیر قهرمانی دور کند. گویی آمده‌اند بادی بخورند، صدای تشویقی بشنوند و با سلفی‌های هواداران به خانه بازگردند. آنها به زمین نیامده عجله برای رفتن دارند و حتی تیم قهرمدولی و پیروز نشده این فصل هم به آنها نه انگیزه مضاعف می‌دهد و نه خیال بردن. تیم برنده هفته اول هر دیدار را بدون کسب ۳ امتیاز به پایان می‌رساند و می‌رود تا هفته بعد را هم با همین روند ادامه دهد.

به این نکته بارها اشاره کرده‌ایم که تیم ریکاردو ساینیتو تنها به وینگرهایش دل خوش کرده و اگر آنرا راهی برای رسیدن به دروازه حریف پیدا نکنند، باید نتیجه را خیلی زودتر از پایان مسابقه پیش‌بینی کرد. حتی منیر الحدادی که بیشتر یک وینگر است یا مهاجم را به عنوان هافبک هجومی قرار دادن، نمی‌تواند کمکی به حال تیم مرد پرتغالی کند، البته که خلاقیت سرمربی آن بوده که دیدیده اندونگ

را به دفاع ببرد و روزبه چشمی را به عنوان هافبک دفاعی حفظ کند اما شاید بهتر بود این نقشه دقیقاً بر عکس اجرا

سردرگمی بیشتر است، در جدال با شمس‌آذر، ترکیب جدیدی دفاعی شامل بازیکنانی بود که یا به تازگی به پست غیرتخصصی منتقل شده‌اند یا به دلیل ضعف در بازی‌های قبل از ترکیب اصلی کنار گذاشته شده بودند. همین آزمون و خطاها باعث شد تیم میزبان به‌راحتی از فضای پشت مدافعان کناری استفاده کند و موقعیت‌های خطرناک ایجاد کند. گل خورده نیز حاصل همین ناهماهنگی و تماشاکر بودن مدافعان مرکزی بود.

دروازه‌بان کهنه‌کار پراشتباه

بازگشت آنتونیو آدان به چارچوب دروازه، با امید ایجاد ثبات همراه بود. او نیمه نخست واکنش‌های مناسبی داشت و مانع فروپاشی زودهنگام دروازه‌اش شد اما در ادامه، همان نقطه ضعف همیشگی خود را نشان داد، ضربه‌ای ساده که می‌توانست به‌سادگی مهار شود، با دقع ناقص او تبدیل به گل شد. این اشتباهات تکراری از سنگربان پرتجربه استقلال، حالا به یکی از دغغغه‌های اصلی هواداران و کادر فنی بدل شده است.

پرسش جدی این است: در دیدارهای آینده، اعتماد دوباره به او ادامه خواهد یافت یا جای خود را به فرعباسی خواهد داد؟

بی‌روحیه و بی‌انگیزه

مشکلات استقلال تنها محدود به عقب زمین نیست.



شود و هافبک ایرانی به قلب دفاع رود و اندونگ به پست تخصصی خود یعنی هافبک دفاعی بازگردد اما نکته عجیب‌تر اینکه در نیمه دوم چشمی از زمین خارج می‌شود و اندونگ همچنان در پست دفاع می‌ماند. از

را دیگر بچه ۷ ساله هم می‌داند. او بازیکنانی مثل الحدادی، آسانی و چشمی را در بیشتر دیدارها از نیمه دوم به نیمکت می‌کشاند و بازیکنانی مثل جنیو، رزاقی‌نیا و سحرخیزان را به زمین مسابقه می‌آورد. حتی اگر آقاسی در زمین مسابقه باشد، نیمه دوم باید به نیمکت برود. می‌خواهد تیمش ۵ گل از الوصل دریافت کرده باشد یا با پیکان کارش گره بخورد. هر چند این مدافع در دیدار این هفته مقابل شمس‌آذر به بازی گرفته نشد اما اگر او در زمین بود قطعاً این تعویض تکراری هم صورت می‌گرفت.

در واقع سرمربی آبی‌ها با وجود بازیکنان متعدد انتخاب‌های

در فاز تهاجمی نیز تیم نتوانسته برنامه‌ای روشن ارائه دهد. حملات بیشترین متکی به حرکات فردی است و انسجام لازم برای خلق موقعیت‌های پیاپی دیده نمی‌شود. وقتی تیم گل می‌زند، توانایی محافظت از آن را ندارد و به آسانی نتیجه از دست می‌رود. این ناتوانی در کنترل بازی، باعث شده ۵ مسابقه اخیر بدون برد به پایان برسد. طبیعی است چنین روندی فشار روحی زیادی بر بازیکنان و سرمربی وارد کند.

واکنش هواداران و رسانه‌ها

انتقادات هواداران استقلال همیشه بالا بوده و حالا که نتایج ضعیف به‌طور پیوسته تکرار می‌شود، فضای انتقادی شدیدی شکل گرفته است. رسانه‌ها نیز هر روز ضعف‌های مختلف تیم را بر جسته می‌کنند و این حجم فشار، کار ساینیتو را دشوار تر کرده است. او نیازمند یک پیروزی پرنرگ و قاطع است تا بار روانی از دوش بازیکنان برداشته شود؛ در غیر این صورت، احتمال دارد بحران به درون زخمتن هم سرایت کند.

مشکل فقط چند بازیکن نیست

هر چند نام‌هایی مانند عارف آقاسی یا آرمین سهرابیان بیشتر زیر دره‌بین قرار گرفته‌اند اما ریشه مشکلات عمیق‌تر از چند اشتباه فردی است. ساختار دفاعی، هماهنگی خطوط و

استقلال مقابل تیم قعرنشین هم به پیروزی نرسید

انگیزه‌ای که نیست

تکراری دارد و اصلاً براساس روند یک بازی و نحوه عملکرد بازیکنان تغییرات صورت نمی‌گیرد. اصلاً برنامه‌ای وجود ندارد و در بیشتر مواقع این بازیکنان هستند که با حرکت انفرادی یا سوپر گل تیم‌شان را به گل می‌رسانند.

سوال این است: آیا ساینیتو پس از دریافت گل تیمش برنامه‌ای دارد؟ او می‌داند چه استراتژی‌ای را باید پیاده کند؛ البته که جواب سوال واضح و روشن است! تیم ساینیتو تا پیش از گل شمس‌آذر به نسبت هفته‌های گذشته، بازی هجومی‌تر و حملات متعددی داشت. توپ و زمین در اختیار تیم تهرانی بود. از موقعیت تک به تک تا حملات هوایی که با دروازه‌بان قزوینی‌ها ناجی می‌شد یا مهاجمان دقت لازم را نداشتند اما پس از گل شمس‌آذر که بر خلاف جهت بازی به ثمر رسید، ساینیتو هیچ تفکری برای رسیدن به گل دوم نداشت. تیم او شبیه لشکر شکست‌خورده اجازه حملات بعدی میزبان را می‌داد. دیگر خبری از موقعیت

خطرناک نبود و هر نزدیک شدن به دروازه شمس‌آذر، حاصلی نداشت.

استقلال که با وجود خریدهای بزرگ انتظاری جز پیروز شدن مقابل تیم‌های ته جدولی از آن نمی‌رود، به جایی رسیده که پس از دریافت گل مساوی، بازیکنانش ناامید شده و بی‌رقم‌تر از آنی شده‌اند که یک حمله را بتوانند به درستی طراحی کنند. نمی‌دانیم ساینیتو از تیمی که به دست خود ساخته و تمام خواسته‌هایش برآورده شده، چه انتظاری دارد که در زمین نه موفقیتی حاصل می‌شود و نه هواداران را امیدوار به بهتر کردن روند تیمش می‌کند! اما هر چه هست، تکرار نتیجه نگرفتن به عادت تبدیل می‌شود و بلند شدن سخت.

ساینیتو تا چه زمانی می‌خواهد با یک برنامه تکراری و یک بازی ناامیدکننده هوادارش را آرام نگه دارد و خیال کند می‌شود هر دیدار را فرصتی دانست برای ماندن روی صندلی خود.

آبی‌ها می‌توانستند از نتیجه نگرفتن رقبیان خود بهترین استفاده را ببرند و به صدر جدول برسند اما چه بسپار ۳ امتیازهای که در دست رفت. پیروز شدن مقابل تیم‌هایی که ادعای قهرمانی ندارند خیلی راحت از دست رفته و استقلال بعد برد مهم برابر تراکتور در هفته اول، در ۴ هفته که می‌توانست خیلی راحت به برد برسد، تنها ۲ امتیاز کسب کرد و همین از دست رفتن امتیازها آخر فصل نقشه‌شان را می‌گیرد و چه بد که اعضای تیم حواس‌شان به پایان فصل نیست. هر چند شاید اصلاً سرمربی پایان فصل را نبیند!

دهد، چراکه توان استفاده از موقعیت‌های بیشتر خود را نداشت، دفاع و دروازه‌بانش در برابر معهود حملات حریف شکستنده بود، ذهنیت برنده فعلاً در این تیم برزوی ندارد، بسیاری از بازیکنان این تیم کماکان در قواره اسسم و مبلغ قراردادشان هم نیستند و تیم قزوینی از آن رو موفق به توقف استقلال شد که خودباوری نزد بازیکنانش وجود داشت، حتی حملات پر دامنه استقلال نیز آنها را مقهور و مرعوب ساخت، درست در زمانی که زیر فشار بازی استقلال بودند موفق به گلزنی شدند و سرمربی جوان‌شان بخوبی توانست تیم خود را در بازی نگه دارد تا آنها نیز از روزهای بد آبی‌پوشان بهره ببرند. هرچند شاگردان ساینیتو فرصت‌های بیشتری خلق کردند اما چه بسا اگر شمس‌آذر ۲ فرصت عالی خود در ۵ دقیقه ابتدایی را به ثمر می‌نشاند کار برای استقلال سخت‌تر از تصور هم می‌شد! استقلال در هفته پنجم لیگ هدیه سایر رقباً را پس فرستاد تا نشان دهد فعلاً خیال و توانی برای صدرنشینی ندارد و تیم شمس‌آذر هم به‌رغم کسر ۳ امتیاز در خارج از زمین فوتبال، همچنان بالابگیزه به رقابت ادامه می‌دهد، چونان فجر شهید سپاسی (صدرنشین واقعی لیگ) و استقلال خوزستان.

صحیح کادر فنی در رفع این مشکلات، باعث شده استقلال با انتظار و توقع اهالی فوتبال فاصله معناداری داشته باشد؛ فاصله‌ای که ندوام آن شاید برخی معادلات و جایگاه‌ها را نیز بر هم زند!

استقلال، این هفته برابر شمس‌آذری متوقف شد که مانند بیشتر رقبای قبلی آبی‌پوشان، بازیکنان سرشناس و گران‌قیمت نداشت و وحید رضایی، سرمربی این تیم نیز برای نخستین بار چنین کسوتی را در لیگ برتر تجربه می‌کند! اگر نتوان با آن عده و عده‌ا پس چنین رقبایی برآمد، پس فلسفه هزینه‌های گزاف در استخدام سرمربی و بازیکنان چیست؟ اصلاً اگر قرار است یک سرمربی داخلی که نخستین تجربه لیگ برتری خود را طی می‌کند به راحتی بتواند سد راه چنین تیمی شود، چه نیازی به هزینه کردن برای سرمربی خارجی است؟ سرمربی خارجی وقتی مفید و گره‌گشاست که حداقل یک سر و گردن از مربیان مطرح ما بالاتر باشد، تغییر رو به جلویی در بطن و روند تیم‌ها مایجاد نماید و دلشته‌هایی به بازیکنان و تیم‌های ما اضافه کند. فلسفه آوردن بازیکنان خارجی نیز چنین است. استقلال ساینیتو نتوانست شمس‌آذر رضایی را شکست

استقلال در باتلاق ناکامی ساینیتوز یر تیغ انتقاد هواداران

جنجال خدا حافظی

است، رقمی فاجعه‌بار برای تیمی که میلیون‌ها دلار صرف‌خريد بازیکن کرده. تغییرات مداوم در خط دفاع هم کمکی نکرد و مشخص شد ضعف تنها محدود به نفرت نیست، بلکه ریشه در ساختار کلی دارد. ساینیتو بارها ترکیب قلب دفاع را تغییر داده اما همچنان از اشتباهات تکراری و گل‌های ساده در امان نیست.

خط حمله بی‌خطر

اگر در گذشته حمیان ساینیتو امیدوار بودند تیمش حداقل در حمله تماشاکر پسند ظاهر شود، این امید هم نقش بر آب شده است. استقلال با وجود داشتن نام‌های پرزرق‌وبرقی چون یاسر آسانی، منیر حدادی، سعید سحرخیزان، موسی جنبو و داکتر نازون، در خلق موقعیت دچار سردرگمی است. این خط تهاجمی گران‌قیمت نتوانسته بار سنگین ناکامی‌های دفاع را جبران کند و در نهایت تصویری بی‌روح از تیمی پرستاره ارائه داده است.

بن‌پست‌تاکتیکی

ساینیتو تا اینجانتوانسته چشم‌انداز مشخصی برای استقلال ترسیم کند. تیمش نه در دفاع مطمئن است نه در حمله کارآمد. کسب تنها ۶ امتیاز نشان می‌دهد بحران در حال عمیق‌تر شدن است. تساوی مقابل پیکان ۱۰ نفره و شمس‌آذر قعرنشین نمونه‌هایی آشکار از تیمی است که نه توانایی حفظ برتری را

^[1] استقلال در ادامه ناکامی‌های خود، باز هم از دستیابی به پیروزی بازماند

^[2] تساوی برابر شمس‌آذر قزوین چهارمین دیداری بود که شاگردان ریکاردو ساینیتو در لیگ برتر ایران نتوانستند به برتری برسند